

ترس غرب صلیبی از حزب التحریر و خلافت

(ترجمه)

قرار بود کنفرانس سالانه خلافت در تاریخ ۱۸ جنوری سال جاری در شهر میسیساگا، که در مجاورت تورنتو در کانادا قرار دارد، برگزار شود. اما دولت کانادا با همکاری امریکا قوانین و ارزش‌هایی را که همواره به آن‌ها می‌بالید -مانند حق مردم در برگزاری فعالیت‌های فکری و فرهنگی، آزادی و آزادی بیان- زیر پا گذاشت و با راه‌اندازی یک کارزار رسانه‌ای و غوغاسالاری، تلاش کرد برگزارکنندگان این کنفرانس را از برگزاری آن منصرف کند. در این راستا، مراکز و اماکنی که معمولاً چنین برنامه‌هایی را میزبانی می‌کنند، تحت فشار قرار گرفتند تا از انجام هرگونه رزرو برای برگزارکنندگان کنفرانس خودداری کنند. این کارزار همچنین شامل انتشار اعلامیه‌ای مشترک از سوی دیوید جی. مک‌گینتی، وزیر امنیت عمومی کانادا و راشل بندیان، معاون وزیر امنیت عمومی بود که در آن، برای توجیه اقدامات تحریک‌آمیزشان علیه حزب التحریر و جلوگیری از برگزاری کنفرانس، به مغالطه، دروغ‌پردازی و تحریف واقعیت متوسل شدند.

در بخشی از این اعلامیه آمده است:

«گزارش‌های مربوط به کنفرانس آتی حزب التحریر که قرار است در تاریخ ۱۸ جنوری ۲۰۲۵م در همیلتون انتاریو برگزار شود، به شدت نگران‌کننده است. حزب التحریر سابقه‌ای مستند در تحریک به خشونت، ترویج ایدئولوژی افراطی و یهودستیزی دارد. این حزب حملات علیه غیرنظامیان بی‌گناه، از جمله قربانیان ۷ اکتبر ۲۰۲۳م، را جشن گرفته و از گروه‌های تروریستی ممنوعه مانند حماس و حزب‌الله حمایت می‌کند که این کاملاً با ارزش‌های کانادایی در زمینه صلح، همگرایی و احترام به تنوع در تضاد است. ما فعالیت‌های آن‌ها و برگزاری چنین کنفرانسی را به‌طور قاطع محکوم می‌کنیم و از برگزارکنندگان می‌خواهیم که رزرو خود را لغو کنند. علاوه بر این، می‌توانیم تأیید کنیم که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی ما در حال حاضر در حال ارزیابی حزب التحریر برای گنجاندن آن به‌عنوان یک نهاد تروریستی تحت قوانین کانادایی هستند.»

از سوی دیگر، ایلان ماسک، مالک شرکت مشهور تسلا، که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا او را برای مدیریت بخش جدیدی در دولت آینده‌اش به نام «بخش کارآمدسازی دولت - دوج» منصوب کرده است، بار دیگر توییتی را بازنشر کرد که در آن آمده است: «اسلام‌گرایان کنفرانسی را در تاریخ ۱۸ جنوری در میسیساگا، کانادا، درباره چگونگی شکست همه کشورهای غیرمسلمان و برپایی خلافت جهانی برگزار می‌کنند و سازمانی که پشت این رویداد قرار دارد (حزب التحریر) در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک گروه تروریستی طبقه‌بندی شده است.»

علاوه بر این، وب‌سایت «اسرائیل الآن» نیز چنین اظهار داشت: «کنفرانس حزب التحریر اسلامی از میسیساگا به همیلتون منتقل شده است و "اسرائیل" اکنون تلاش خواهد کرد این کنفرانس را که اعلام جنگ علیه تمدن غربی محسوب می‌شود، شناسایی و تعطیل کند.»

غرب صلیبی دشمنی خود را با اسلام و حاملان دعوت آن آشکارا نشان می‌دهد و وحشت خود را از بازگشت اسلام به عرصه سیاست، به‌ویژه زمانی که این حرکت‌ها جدی و در مسیر درست و صحیح باشند، پنهان نمی‌کند؛ همان‌گونه که حزب التحریر از زمان تأسیس خود بدون توقف، شب و روز در این راه گام برداشته و هرگز از آن منحرف نشده است. این حزب در ماه رجب فعالیت‌های خود را در یک کارزار بزرگ و رویدادهای گسترده‌ای تشدید می‌کند تا مسلمانان را به یاد فروپاشی خلافت و خسارت‌های ناشی از آن در تمامی عرصه‌ها بیندازد و بر ضرورت تلاش برای احیای آن تأکید نماید.

در این ماه، ۱۰۴ سال از نابودی خلافت در ۲۸ رجب ۱۳۴۲ هـ (۳ مارس ۱۹۲۴م) می‌گذرد. حتی یکی از رهبران فعالیت‌های اسلامی در خارطوم، در مراسمی که در قاعة الشهید الزبیر محمد صالح به مناسبت ماه رجب برگزار شد، درباره عظمت فعالیت‌های حزب التحریر در مساجد، بازارها، میدان‌های عمومی و رسانه‌ها در یادآوری حوادث مهم ماه رجب، به‌ویژه سقوط خلافت، اظهار داشت: «ما تقریباً نام این

ماه را "رجب حزب التحریر" گذاشته ایم! این اقدامات و فعالیت‌ها، دل امت اسلامی را شاد و امیدوار می‌سازد، اما غرب صلیبی، رژیم یهود، دولت‌های ضرار و حکام دست‌نشانده‌شان را به وحشت می‌اندازد، چراکه دعوت حزب التحریر برای اتحاد مسلمانان تحت پرچم خلافت را تهدیدی برای خود و نظام‌های شان می‌دانند. از این رو، آنان جنگی بی‌امان را علیه این حزب آغاز کرده‌اند، از جمله جلوگیری از برگزاری فعالیت‌های آن. ایجاد محدودیت‌های گسترده، تخریب وجهه‌اش با اتهامات واهی نظیر افراط‌گرایی و تحریک به خشونت، و همچنین بازداشت و شکنجه اعضای آن توسط حکام مزدور.

این جنگ صلیبی علیه امت اسلامی برای جلوگیری از وحدت و بیداری آن است. باید دانست که این جنگ، جنگی صلیبی علیه امت اسلامی است که هدف آن جلوگیری از بیداری امت و اتحاد آن بر اساس دینش می‌باشد. دولت‌های حاکم غربی نمی‌توانند شاهد موفقیت حزب التحریر در مسیر احیای خلافت باشند، همان خلافتی که پس از قرن‌ها توطئه شبانه‌روزی توسط آنان نابود شد.

طرح‌های غرب برای نابودی اسلام و خلافت از دیرباز در جریان بوده است.

امیر شکیب ارسلان در کتاب «حاضر العالم الإسلامی» بخشی شگفت‌انگیز را تحت عنوان «تعصب اروپایی یا تعصب اسلامی؟» آورده است که در آن، خلاصه‌ای از محتوای کتاب «صد طرح برای تجزیه ترکیه» نوشته مسیو دجوفار را ارائه می‌دهد. این کتاب، شامل صد طرح پیشنهادی از سوی اروپاییان با ملیت‌ها، مناصب و حرفه‌های گوناگون - از شاهزادگان، فرماندهان نظامی، پادشاهان و رجال کلیسا- برای تجزیه امپراتوری عثمانی است. نکته حیرت‌انگیز این است که حتی فیلسوف لایب‌نیتس نیز در سال ۱۶۷۲م، به‌عنوان نویسنده طرح چهل‌وچهارم، در این پروژه نقش داشته است. او طرحی برای محو عثمانی تدوین کرد و طی چهار سال آن را تکمیل نمود، سپس به زبان لاتینی برای لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه ارسال کرد. یکی از پیشنهادهای او این بود که: «اگر مصر از دست ترک‌ها گرفته شود، سرنوشت آنان به نابودی خواهد انجامید».

نکته جلب توجه این است که یکی از این طرح‌ها تصریح می‌کند که باید بخشی از سرزمین‌های دولت عثمانی به‌عنوان «پادشاهی عبری» یعنی فلسطین جدا گردد!

مسیو دجوفار، وزیر رومانیایی، خلاصه این طرح‌های استعماری را این‌گونه بیان می‌کند: «در طول شش قرن متوالی، ملت‌های مسیحی به دولت عثمانی حمله کردند و وزیران، سیاستمداران و نویسندگان برنامه‌هایی را برای تجزیه این امپراتوری تدوین کردند. این برنامه‌ها، همان‌گونه که شرح آن‌ها گذشت، بالغ بر صد مورد می‌شدند».

غرب، جنگ خود را علیه امت اسلام، جنگی تمدنی و اعتقادی می‌داند. اظهارات و نوشته‌های سیاستمداران و متفکران غربی، ماهیت این جنگ علیه امت اسلامی را تأیید می‌کند. آنان این نبرد را جنگی تمدنی و اعتقادی می‌دانند که هدف آن جلوگیری از بیداری و رستاخیز امت اسلامی است. در دهه ۱۹۵۰، یکی از مسئولان وزارت خارجه فرانسه اظهار داشت: «جهان اسلام، غولی در بند است، پس باید تمام تلاش خود را به کار بگیریم تا بیدار نشود».

در دهه ۱۹۶۰، یوجین روستو، رئیس بخش برنامه‌ریزی وزارت خارجه آمریکا و مشاور رئیس‌جمهور لیندون جانسون، چنین گفت: «هدف غرب در خاورمیانه، نابودی تمدن اسلامی است. تأسیس اسرائیل (نیز بخشی از این طرح است و این چیزی جز ادامه جنگ‌های صلیبی نیست».

نشریه آلمانی «دیر شپیگل» در شماره هشتم سال ۱۹۹۱م، پژوهشی درباره تقابل تمدن اسلامی و غرب منتشر کرد که در آن آمده است: «در طول جنگ جهانی اول، قدرت‌های غربی دو ضربه جدید به آگاهی اسلامی وارد کردند».

این مجله در ادامه توضیح می‌دهد که ضربه اول، شکست دولت عثمانی، نابودی خلافت و استعمار سرزمین‌های عربی آن بر اساس توافقنامه سایکس-پیکو ۱۹۱۶ بود. ضربه دوم نیز اعطای وعده بالفور در سال ۱۹۱۷ م به یهودیان و حمایت از ایجاد دولتی برای آن‌ها در فلسطین بود.

بلی، این‌گونه روشن می‌شود که جنگ غرب با تمامی مؤسسات، نظام‌ها و پایگاه آن در منطقه، یعنی رژیم یهود، جنگی صلیبی و سرشار از کینه است که بر پایه تخریب و تضعیف از راه‌های مختلف فکری، سیاسی، اقتصادی و نظامی بنا شده است. آنان را سخت‌نگران و مضطرب می‌سازد هرگونه فعالیتی که امت را بر اساس اسلامش به سوی بیداری سوق دهد، همان‌گونه که حزب التحریر و مخلصان امت اسلامی انجام می‌دهند.

اما ما به غرب، حکومت‌های آن و مؤسساتی که شب و روز در توطئه برای جلوگیری از طلوع سپیده دم خلافت می‌کوشند، می‌گوییم که خلافت راشده دوم بر منهج نبوت به‌زودی به اذن الله سبحانه و تعالی برپا خواهد شد، چرا که این وعده پروردگار ما و بشارت پیامبر گرامی‌اش صلی الله علیه و سلم است.

برگرفته از شماره 532 جریده الرایه

نویسنده: استاد عبدالله حسین (أبو محمد الفاتح)

مترجم: محمد مزمل